

## خطاب به دوستان و رفقای کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و تمام پیشروان کارگری بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی

در شرایط پراکندگی جنبش کارگری ایجاد تشکل های مستقل کارگران را در اولویت قرار دهیم!  
سلام و درود های گرم و آتشین ما فعالان کارگری بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی، اعضای شورای نمایندگان کمیته پیگیری  
ایجاد تشکل های کارگری در زندان جهمی رجایی شهر را بپذیرید.

ما، پنجاه و چند میلیون خانوار کارگری ایران، بمثابة نیروی اصلی انقلابی پیشرفت جامعه و همچنین مولد تمام نیاز های حیاتی  
آن، از قبیل محصولات تغذیه، پوشاک، مسکن، دارو، نفت و گاز، و غیره، در سایه حاکمیت رژیم سرمایه داری در بدترین  
شرایط زندگی قرار داریم. همراه با نابودی امنیت شغلی از طریق قراردادهای موقت و سفید امضاء و دستمزدهای یک چهارم از  
خط فقر، واردات کالاهای بنجل و نابودی 70 درصدی تولیدات داخلی مان، مانند قطعه سازی، نساجی، کفش، قند و شکر،  
کشاورزی و غیره که به بیکار سازی 40 درصد از جمعیت کارگری کشور از طریق خصوصی سازی یا خودمان سازی تولید و  
خدمات انجامیده است، حذف یارانه های عمومی از مایحتاج های ضروری امثال آب و برق و گاز و بهداشت و درمان آموزش و  
تحصیلات و تندرستی و ورزش، با هدف انتقال این ارزشها برای پر کردن کیسه ها و جیب مافیای قدرت و ثروت و دیگر سیاست  
های ارتجاعی و ضد مردمی نتایج خانمان برانداز زیر را برای کارگران و دیگر اقشار زحمتکش به بار آورده است:

80 درصد جمعیت کشور با درآمدهای زیر خط فقر با 20 میلیون گرسنه در فقر مطلق که امسال 300 هزار نفر به این جمعیت  
اضافه شده است! رتبه اول و یا دوم نرخ رشد تورم و گرانی در جهان، مخصوصا مسکن! رتبه اول طلاق و اعتیاد! دومین  
کشور افسرده جهان! یکی از فاسد ترین کشورهای جهان با رتبه 154 از 170 کشور در عرصه ارتشاء و غارت علنی اموال  
عمومی به طوری که یک چهارم کل نقدینگی کشور یعنی 150 هزار میلیارد در دست 600 نفر با گردن کلفتی داده شده است! با  
فساد و غارت های هزاران میلیاردی، مانند 3000 میلیارد بانک ها و 9000 میلیارد بابک زنجانی و غیره!

تحت چنین شرایطی استکه تنفر و نارضایتی و اعتراضات عمومی و اعتصابات کارگری به اوج رسیده است. بطوریکه هر روز  
تا پنج اعتصاب و بطور متوسط در هر 15 تا 20 روز یک اعتصاب تأثیرگذار در سطح ملی به ثبت می رسد. اما سوآلی که یک  
کارگر دلسوز و آگاه را به خود مشغول می کند، اینستکه چرا با چنین ابعادی از اعتراضات کارگری، آنها به نتایج ثمر بخش و  
مطالبات خود نمی رسند؟

دلیل آن به نظر ما در کنار سرکوب و برقراری حکومت نظامی در کارخانجات از طریق حراست و بسیج مسلح و دستگیری و  
سرکوب تشکلات مستقل و فعالان کارگری، و مهمتر از اینها اینکه طبقه سرمایه دار، از طریق دولت و احزاب خود، سرکوب  
فیزیکی و معنوی ما را سازمانیافته و آگاهانه و در سطح ملی و سراسری و با برنامه به پیش می برد. اما ما چگونه عمل می  
کنیم؟ ما با بهانه قرار دادن شدت سرکوب هیچ اقدامی برای پیوند ارگانیک و زنده ای با طبقه کارگر یعنی در سطح صنفی، مانند  
سندیکا در سطح رشته شغلی و یا در سطح ملی، یعنی فدراسیون، بدون هیچ برنامه عملیاتی مشخصی، صرفا لنگان لنگان در پی  
حوادث روانیم. ما حتی در رشته هایی که فعالیت صنفی بطور نسبی در حال جریان است، مانند حمل و نقل، ساختمان،

پتروشیمی، و معادن، هیچ چهار چوبه ای برای فعالیت نداریم. چه رسد به ایجاد همبستگی سراسری در چهارچوب فدراسیون  
سراسری! و این بی عملی خود را با حرف های کلی و بی ربط با اصل مسئله لاپوشانی می کنیم. و یا از موضع فوق انقلابی با  
هزاران کیلومتر فاصله با طبقه کارگر، با لاف و گراف، سر و صدای زیادی به راه می اندازیم. در چنین شرایطی، و نبود  
برنامه ای مشخص برای ساختن و ایجاد تشکل های سراسری، نه در عالم خیال و بر روی اینترنت، طبقه کارگر مانند گلوله بی  
تفنگ است، که در صورت شلیک هم کاری از پیش نخواهد برد و در مقابل هجوم سازمان یافته و برنامه ریزی شده و متحد  
سرمایه داری و دولتش توان مقاومت و مبارزه سراسری در عقب راندن آن را ندارد. ما، با قبول تأثیر بازدارندگی شدت سرکوب  
دشمن طبقاتی، اما، اعتقاد داریم بطوریکه تاریخ مبارزه طبقه کارگر ایران و جهان اثبات کرده است، در صورت داشتن آگاهی و  
ایمان انقلابی مانند پیشکسوتان مان، که شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای ایران را در دوران سیاه دیکتاتوری رضاخانی ایجاد  
نمودند و حتی به عضویت سازمان بین المللی سندیکای جهانی کارگران نیز در آوردند، آنها در زمانی که نه اینترنت و ارتباطات  
گسترده کنونی وجود داشت، خواهیم توانست سطح مبارزات طبقه کارگر را ارتقاء داده و به یک تشکل سراسری براننده طبقه  
مان دست یابیم.

بنابراین در حال کنونی برای ایجاد تشکل های سراسری کارگری باید با دو انحراف مهم در جنبش کارگری مبارزه کرد:  
اول، با دیدگاهی که با بزرگ نمایی و دنباله روی و پرستش حرکات خودجوش کارگری، بر بی برنامه گی و پراکندگی، و درک  
محدود صنفی و چسبیدن به یک تشکل محدود صنفی و قبول قواعد بازی دشمن طبقاتی در قانون گرایی و علنی گرایی صرف،  
آب تظهير می ریزد. در چنین حالتی است که دشمن با تحمیل شرایط خفقان، رهبری تشکل ها را از بدنه جدا و آنها را وادار به  
عزلت و گوشه نشینی و نظاره گری و پذیرش سیاست "اعتدال" می کند. و نقش تشکل دهنده و سازمان دهنده تشکل ها را محدود

و یا از بین می برد .

دوم، دیدگاهی که درک فرقه گرایانه از تشکل و آگاهی طبقاتی را با چهره ای ظاهراً رادیکال و انقلابی در توده های عام تبلیغ کرده و پیوند ارگانیک ایشان را با محیط ها و مبارزات کارگری می گسلاند. این دیدگاه جنبش های متفرق توده ای را قائم به ذات معرفی کرده و ایشان را بطور توهم آلود از پیوند مشخص با مبارزات کارگران و محیط های زندگی شان بی نیاز جلوه می دهد و عرصه مبارزه را به فضای خیالی، مجازی و اینترنتی عقب می راند .

این دو انحراف برای پیشرفت آگاهی طبقاتی در جنبش مبارزاتی کارگری و ایجاد تشکل های ماندگار صنفی و سراسری مانند اتحادیه سراسری کارگری ایجاد مانع کرده و جلوگیری می کنند .

برای برون رفت از این بن بست، تشکل های صنفی سندیکایی و تشکلات فعالین کارگری مانند کمیته پیگیری باید از حالت نظاره گری و دفاعی بیرون آمده و در بسیج نیروهای شان در جهت ایجاد پیوندی زنده با کارگران، در چگونگی ایجاد تشکلات مستقل برای آنان، بعنوان رسالت اصلی خود حرکت کنند. ارتباط ترویجی برای آگاه گران و تبلیغی برای پیشروان کارگری، با موضوعات چگونگی ایجاد هیأت های مؤسس سندیکا و اتحادیه ها در محیط های کارگری، اصول و نحوه سازماندهی و پیشبرد فعالیت در شرایط سرکوب و خفقان، ضرورت ایجاد تشکلات طبقاتی و سراسری، از طریق سایت ها و نشریات و توزیع وسیع آنها در میان کارگران و خانوارهای ایشان پیش ببرند. و مهمتر اینکه، همگام با پیشبرد این وظایف، تلاش عملی تشکلات صنفی و فعالین کارگری، با هدف ایجاد هیئت مؤسس فدراسیون سراسری از ترکیب تشکلات موجود، در جهت ایجاد اتحادیه سراسری کارگران، آنها از سردرگمی نظاره گری و انتظار به در آورده و به خمیر مایه و عنصر فعال سازمانده این مبارزات، برای تحقق مطالبات اساسی کارگران تبدیل می نماید .

پیش بسوی پیوند مبارزاتی و آگاهانه با جنبش کارگری

پیش بسوی ایجاد فدراسیون سراسری کارگران

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی

اعضاء شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

زندان رجایی شهر

17آبان 1393